

غایب بودن ما و ظاهر بودن امام زمان(ع)/ آفتاب محجوب است یا ما؟

آفتاب هست، این ابر جلوی چشم شما را گرفته. شما غایبید، نه ما! آفتاب محجوب است یا ما محجوب؟ این ابر، جلوی آفتاب را گرفته یا جلوی ما را گرفته؟

آفتاب هست، این ابر جلوی چشم شما را گرفته. شما غایبید، نه ما! آفتاب محجوب است یا ما محجوب؟ این ابر، جلوی آفتاب را گرفته یا جلوی ما را گرفته؟

خبرگزاری مهر، سرویس دین و اندیشه: وجود مبارک امام زمان (ع) فرمودند: آفتاب هست، این ابر جلوی چشم شما را گرفته، شما غایبید، نه ما! این که در جواب آن سؤال که در زمان غیبت از شما چگونه استفاده می کنند، فرمودند: مثل آفتاب پشت ابر است؛ یعنی شما غایبید، نه ما! آفتاب محجوب است یا ما محجوب؟ این ابر، جلوی آفتاب را گرفته یا جلوی ما را گرفته؟ در جریان ظل گرفتن و کسوف و خسوف چطور است؟! آن را ظل گرفته یا ما را ظل گرفته؟! ما را ظل گرفته. یعنی وقتی زمین بین ما و شمس فاصله شد، آنجا که رو به آفتاب است که کاملاً نور دارد. سایه ماه می افتد روی زمین، زمین را ظل می گیرد، زمین تاریک می شود، ما را ظل گرفته، نه شمس را! ما چون آن شمس را نمی بینیم، می گوئیم: آفتاب را ظل گرفته، وگرنه او همچنان روشن است. چون هم آن سمت کره ماه روشن است و هم سایر نظام کیهانی روشن است. آن را ظل نگرفته، ما را ظل گرفته، این سحاب هم جلوی آن را نگرفته؛ بلکه مانع ما شده؛ ولی بالاخره از او برمی آید که مشکل ما را حل کند.

بنابراین هدف خلقت این است که ما فقط عبادت کنیم، یعنی اطاعت. چون بخش پایانی سوره «ذاریات» یک قضیه نیست که بشر برای عبادت خلق شد، دو تا قضیه است، یکی موجه، دیگری سالبه. نفرمود: «خلقت الجن والانس ليعبدون»، بلکه فرمود: «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»؛ یعنی برای غیر عبادت خلق نشد. بنابراین اگر کسی کارهای عادی انجام بدهد که حرام نیست؛ ولی اثر دینی ندارد. لهُو و لعب است، معصیت نیست، او در این 10 ساعت یا 20 ساعت در راستای خلقت حرکت نکرده است. او، هم باید قضیه موجه را حفظ بکند، هم قضیه سالبه را تا جمیع شئونش بشود ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین.

چنین انسانی، خلیفه کامل است و در عصر کنونی وجود مبارک ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یعنی مهدی شخصی موجود موعود از یک سو، قائم غایب(علیه آلاف التحیه و الثناء) از سوی دیگر است که جمعیت را می برد به سمتی که به مصداق: و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون عمل می کنند و همه کارها می شود عبادی. تولید می شود عبادی، مصرف می شود عبادی، هنر می شود عبادی، ادبیات می شود عبادی...؛ هم حسن فعلی دارد، هم حسن فاعلی. هم کار خوب می کند، هم برای رضای خدا می کند.

اگر کسی آدم خوبی باشد؛ ولی کارش بازی باشد، معصیت نکرده، مؤمن هست؛ اما چون یک رکن را از دست داده، به هدف نمی رسد یا کارش کار خوبی است، به نفع جامعه است؛ ولی او موحد نیست؛ چون فاقد حسن فاعلی است، یک گوشه را از دست داده است. ما به سمتی در سایه آن حضرت حرکت می کنیم که هم حسن فاعلی داشته باشیم، هم حسن فعلی بشود جمیع شئون ما لله، آن وقت بشر به این وضع می رسد، آنگاه می شود، لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون.

گفتاری از آیت الله جوادی آملی